

آیا راه حلی بر بحران‌های موجود هست؟

سیاسی و حقوقی دمکراتیک، نیز پس مانده‌ای از بی‌حقوقی قرون وسطایی توده مردم بود که بادیکناتوری عربیان سرمایه‌داری به اصطلاح مدرن تتفق شده بود. یا به عبارت دیگر در خدمت پاسداری از سرمایه‌داری ایران در عصر سلطنه‌انحصارات قرارگرفت. تتفیق دین و دولت نیز در دوران رژیم شاه وجود داشت، منتهایه شکل پوشیده آن، به رسمیت شناختن یکدین به عنوان دین رسمی کشور بالنتیجه قابل شدن امتیاز برای یک دین و مذهب خاص، بینگرانیان تتفیق پوشیده دین و دولت بود. دستگاه روحانیت نیز نقشی تاثیرگذار بر دولت و سیاست‌های کشور داشت. این واقعیتی است که در دوران رژیم شاه، زنان در مقایسه با امروز از وضعیت بهتری برخوردار بودند، اما این واقعیت، نافی این حقیقت نیست که تبعیض و ستمگری جنسی و نا برابری سیاسی و اجتماعی زن و مرد یک‌اصل قرون وسطایی دوران رژیم شاه نیزبود. رژیم سلطنتی شاه هیچگاه برای مردم کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد را حتاً به شکل صوری و قانونی آن به رسمیت نشناخت. قوانین دوران رژیم سلطنتی، زن را همچنان شهروند درجه دو، و نصف مرد می‌دانست. ستمگری و تبعیض نسبت به ملل غیرفارس و نابرابری آنها نیز باقی مانده‌ای از همین بقایای قرون وسطایی بود. بنابراین، نه تنها تضادهای لایحل نظام سرمایه داری بلکه تضادهای ناشی از بقایای نظامات مقابل سرمایه داری نیز عمل می‌کردند. جمهوری اسلامی این بقایای را به خدمت گرفت، برآمدن آنها افزود و آنچه را که پنهان بود برملاً و عربیان کرد و بالنتیجه تضادها را تشديد و بحران‌های ناشی از این تضادها را عمیق‌تر و رزف‌تر کرد. اگر این تضادها آنگونه که طرفداران نظام سرمایه داری مدعی هستند، تنها زانیده حکومت اسلامی هستند، در آن صورت این سؤال بدون جواب خواهد ماند که اساساً چرا رژیم سلطنتی شاه با چنان بحرانی روبروگردید که به سرنگونی اش انجامید؟ چرا میلیون‌ها تن از تولدات‌های زحمتکش مردم ایران برای سرنگونی آن رژیم به پا خاستند؟ و البته پاسخی نخواهند داشت جز این که از اراده‌ای موهوم مدد بگیرند و آنرا به خواست خدا منتنسب سازند که اراده کرد به جای ظل الله' استبداد رژیم شاه و محرومیت مطلق مردم از آزادیهای

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که جامعه ایران در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی- اجتماعی و سیاسی با بحران‌های رزف روبروست. همگان به واقعیت وجودی بحران اقتصادی بحران‌های اجتماعی و سیاسی اذعان دارند. این بحران‌ها چنان آشکار و غیر قابل تکمنان اند که حتی هیئت حاکمه و تمام پاسداران نظم موجود که قاعده‌ای می‌باشد بیماریهای ناعلاج این جامعه را منکر شوند، به هزاران زبان به وجود آنها اعتراض می‌کنند و در عمل نیز نشان می‌دهند که هیچ راه حلی برای این بحران‌ها در چارچوب نظم موجود نیست.

طبقه سرمایه دار و رژیم پاسدار منافع آن در طول چندین سال گذشته، راه حل‌های متعددی را برای غلبه بر این بحران‌ها در دستور کار قرار داده است، با این همه، نه تنها این بحران‌ها حل نشده‌اند، بلکه بالعکس با گذشت زمان رزف‌تر و گستردگر شدند. گروه‌های ازبورژوازی به اصطلاح اپوزیسیون ایران می‌کوشند که بر رابطه این لاپنه ماندن بحران‌های نظام اقتصادی- اجتماعی حاکم بر ایران پرده بیاکنند و صرفاً آن را با نظام سیاسی موجود مرتبط سازند. آنها ادعا می‌کنند که اگر بحران هست و این بحران‌ها لاپنه مانده اند، علت آن تماماً به سیستم سیاسی موجود و البته منظور حکومت مذهبی به شکل کنونی آن باز می‌گردد. اما این ادعا قلب واقعیت است. تردیدی نیست که رژیم بورژوا- مذهبی حاکم بر ایران، به علت خصلت مذهبی خود، به تشديد تضادها و تعیق بیشتر بحران‌ها یاری رسانده است، اما در اساس، این تضادها از سیستم اقتصادی- اجتماعی سرمایه‌داری حاکم بر ایران برخاسته و حتی پیش از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران به بحران‌های رزف انجامیده‌اند. آنچه در مورد تضادهای مناسبات تولید صادر است، به نحوی دیگر در مورد تضادهای روبنای سیاسی و تضاد آنها با مناسبات تولید نیز صدق می‌کند. در دوران رژیم سلطنتی شاه نیز بقایای متعدد نهادها و موسسات قرون وسطایی وسیعاً در روبنای سیاسی وجود داشت و عمل می‌کرد. رژیم سلطنتی، خود چیز دیگری جز یک نهاد قرون وسطایی نبود. استبداد رژیم شاه و محرومیت مطلق مردم از آزادیهای

صفحه ۲

کارگر سابقی که رئیس جمهور شد

خیابان مشهور پائولیستا در مرکز شهر سانپولوی ایتالیا بزریل پس از ساعت ۱۷ روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۰۲ باردهی از جمعیت موج می‌زد، جمعیتی که برای پنجمین عنوان قهرمانی تیم ملی فوتبال گرد نیامده بود، زیرا این گردهم آیی چهارماه پیش از آن به پاشده بود؛ جمعیتی که برای راهاندازی کارناوال‌های معروف بزریل بهای خیابان نیامده بود، زیرا زمان کارناوال‌های سالانه بزریل هنوز فرانرسیده بود؛ صد ها هزار نفری که به خیابان پائولیستا و دیگر خیابان‌های شهرهای بزریل سرازیر شده بودند با فریادهای شادی، کاه همراه با اشک شوق، آمده بودند تا پیروزی لوئیس ایندادیسیلو که لقب "لولا" یا لوئیس کوچولو را دارد جشن بگیرند و این درحالی بود که

منابع یا هزینه کردن آن، تا آنجا که به کارگران و خصوصی سازی‌ها بر می‌گردد، هر کارگری این را می‌داند که واگذاری یک کارخانه به بخش خصوصی، معناشیزدند امتیازات کارگران و زیرگرفتن بیش از پیش حقوق کارگران است. ملmost ترین و بلاواسطه - ترین نتیجه خصوصی سازی یک کارخانه برای کارگران، تشید فشار و تشید استثمار کارگران بوده است، معناشیز بخش اخراج و بیکارسازی تمام و یا بخشی از کارگران آن کارخانه است. دولت "اصلاح طلب" که همه جا از جیب کارگران هزینه می‌کند، یک بار هنگام تامین بودجه از جیب و هستی کارگران مایه می‌گذارد و به قیمت بیکاری و گرسنگی

صفحه ۸

قانون بودجه،

تدابع خصوصی سازی‌ها و تشید استثمار کارگران

در قانون بودجه سال ۸۱ جمهوری اسلامی، جنین مقرره‌هاست که دولت، ۶ هزار میلیارد ریال از رقم کل بودجه را از محل فروش موسسات و شرکتها دولتی به بخش خصوصی تامین کند. مطابق همین سیاست، در شش ماهه اول سال جاری ما شاهد واگذاری دهها موسسه و کارخانه دولتی و به تبع آن باتکلیفی و بیکاری هزاران تن از کارگران بوده ایم. بنا به خبری که در روزنامه کار و کارگردان آبان درج شده است، اخیراً نیز هیئت وزیران، به منظور تامین ۱۰ هزار میلیارد ریال از کسری بودجه سال ۸۱، تصمیم به فروش شماربیشتری از شرکتها دولتی گرفته و آن را تصویب نموده است. صرف نظر از ماهیت بودجه، چگونگی تامین،

آیا راه حلی بر بحران‌های موجود هست؟

بیکاران افزوده‌اند. سطح دستمزد کارگران شاغل در این چند سال نیز مداماً تنزل نموده و با پیوشرشای پی‌درپی دولت و سرمایه‌داران به سطح معیشت و حقوق کارگران، شرایط زندگی آنها بیش از پیش وخیم و غیر قابل تحمل شده است. اکنون ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و مترازو از ۵ میلیون بیکار، رقم چند میلیونی معتمدان، فراگیر شدن فحشاء رسمی به مسعت خیابانهای شهرهای بزرگ، افزایش روزافزون کودکان ولرد خیابانی، افزایش روز افزون خودکشی در میان مردم زحمتشک، این است بخشی از دست اورده‌های اقتصادی بورژوازی ایران در دروان خاتمه‌ی بدهکار کردن توده‌های زحمتشک مردم و نسل‌های آینده بخش دیگری از این دست آورده‌هاست. مجموع بدھی ایران به انحصارات جهانی اکنون به رقمی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. توده‌های زحمتشک مردم ایران و قبل از همه کارگران، همه ساله باید چندین میلیارد دلار از حاصل دسترنج خود را به عنوان بهره به سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی بپردازند، درحالیکه نفع این وام‌هانصیب سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی شده است. اما این هنوز نیام مطلب نیست. ورشکستگی مالی دولت نیز بار دیگری است که برگردانه کارگران و زحمتشکان گذاشته شده است. هنوز چند ماهی از سال نگذشته است که دولت با خزانه‌ای تهی روبرو شده است. کسری بودجه دولت هم اکنون به رقمی حدود ۳ هزار میلیارد تومان، نزدیک به ۵ میلیارد دلار رسیده است. راه سهل و ساده وصول این مبلغ؛ استقرار از بانک‌های داخلی، چاپ اسکناس، کاهش ارزش پول، افزایش نرخ تورم و خلاصه کاهش بیشتر قدرت خرید کارگران و زحمتشکان و فقیرتر شدن آنهاست.

آری! سرمایه‌بیشتری به ایران صادر شده است. سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گرفته است. تسهیلات بیشتری در اختیار سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است، اما آن‌ها تنها بحران حل نشده، بلکه تشید هم گردید و وضعیت کارگران و زحمتشکان خویم‌ترشد. شکست سیاست اقتصادی خاتمه‌ی تنها شکست دیگری بر شکست‌های هیئت حاکمه نیود. این شکست تمام گروههای بورژوازی است، خواه از آنها که در حاکمیت‌اند یا در خارج از آن. چرا که آنها هیچیک بر نامه اقتصادی دیگری جز برنامه اقتصادی وی نداشته و ندارند و به همین دلیل بود که همه یک پارچه از روی و سیاست‌هایش حمایت کردند. این شکست و تداوم و تشید بحران اقتصادی باز هم نشان می‌دهد که تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران به آن درجه از حدت خود رسیده‌اند که کل بورژوازی ایران و جهان نیز نتوانستند حتا آنها را تعديل کنند و از حدت آنها بکاهند. اگر هیچیک از جناح‌های بورژوازی و سیاست‌های اقتصادی آنها ازاواخر دوران رژیم شاه تا به امروز قادر به حل این بحران نبوده‌اند، بیانگر چه چیزی جز این واقعیت است که این تضادها راه حل خود را در خارج از مناسبات تولیدی موجود می‌طلبد؟ بیانگر چه چیزی جز این واقعیت اند که این مناسبات به آن درجه‌گذیدیگی و پوسیدگی رسیده‌اند که به هیچ روحی با مقتضیات و نیازهای تحول سراسازگاری ندارند؟ تمام واقعیات بحران اقتصادی موجود نشان می‌دهند که راه حل این تضادها و بحران، راه حل سوسیالیستی نفی مناسبات تولید سرمایه‌داری است. اگر این راه حل نتوانسته تاکنون به مرحله اجرا در آید، صرفا از آن روست که طبقه کارگر ایران هنوز در موقعیتی قرار نگرفته است که آن را عملی سازد. نتیجه این تأخیر، انحطاط و سیر قهقهایی است که جامعه ایران در این چند دهه طی کرده است. اگر طبقه‌ای که حامل مناسبات کهنه و بازدارنده است، نتواند لائق تضادها را تعديل و بحران‌ها را تخفیف دهد و طبقه‌بالنده ای که مدافعانه و حامل مناسبات نوین است، به هر علتی نتواند به طبقه حاکم و پیشبرنده سیاست‌های خود تدبیل شود، در آن صورت بن بست و انحطاط واقعیت گریز ناپذیر جامعه خواهد بود. تاریخ، از این نمونه‌ها کم نداشته است. جامعه ایران و جمهوری اسلامی حاکم بر آن، حی و حاضر در برابر ما است. در هر حال، راه حل قطعی و درهم شکست این بن بست و حل تضادها، راه حل سوسیالیستی است. اما ساده‌اندیشی است که کسی تصور نکند، این راه حل بهاین معناست که طبقه کارگر، آن‌هم در جامعه‌ی نظیر ایران می‌خواهد از امروز تفراهم‌الکیت خصوصی را ملغاً و سوسیالیسم را برقرار سازد. سوسیالیسم یعنی لغو مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و توزیع. این نیز معنای دیگری جزالغاء مناسبات تولید سرمایه‌داری، الغاء مناسبات کالایی- پولی ندارد. از این رو پر واضح است که تحقق این امر یک دوران را در بر می‌گیرد و نه چندین و چند سال. در عین حال در هر کشور سرمایه‌داری، بسته به درجه رشد و پیشرفت نیروهای تولیدی و مقدم بر آن آمادگی طبقه کارگر، سرعت این تحولات، متفاوت خواهد بود. در ایران این تحولات با یک رشته مراحل انتقالی انجام خواهد

خود حکومت‌الله را قرار دهنده و یا درنهایت آن را به اشتباهات اعلیحضرت منتبه سازند که از دیدگاه برخی از آنها بیش از حد نسبت به مردم "سخت-گیری" داشت، به حسب دیدگاه برخی دیگر در "توسعه" و "پیشرفت" دادن ایران عجله و تندروی کرد و یا آنگونه که برخی دیگر می‌گویند بیش از حد نسبت به مردم "ملاطفت" نشان داد و به قدر کافی از زور اسلحه برای آرام کردن شان استفاده نکرد. نظریه پردازان بورژوازی ایران به ویژه جناح‌سلطنت طلب آن، بیش از این عقل شان قد نمی‌دهد که دلیل و توجیهی برای انقلاب مردم ایران و سرنگونی رژیم شاه جستجو کنند. پاسخ نظریه پردازان جناح-های دیگر نیز به همین اندازه سطحی است. تنها پاسخ علمی را طرفداران سوسیالیسم علمی به این سؤال می‌هیچ پیش داوری نسبت به نظم موجود، چشمان اینها را عنوان یکارکانیسم اجتماعی زنده نیازمند تحول است. می‌جامعه ایران به عنوان یکارکانیسم اجتماعی زنده نیازمند تحول است. می‌خواهد به پیش رود و توسعه یابد، اما طبقه‌ای که منافع اش در حفظ نظم موجود و پاسداری از مناسبات تولید موجود است، مانع این تحول می‌گردد. طبقه حاکم، روبانی سیاسی موجود و به ویژه دستگاه دولتی را برای سکردن این تحول به خدمت می‌گیرد. حنازن‌هادها و موسسات قرون وسطایی نیز مدد گرفته تا مانع تحولات گردد. ایجاد این موانع به نفوذ فرازینده ای منجر به تشید تضادها، از یک سود رشیوه تولید و از دیگر سود روبنایی که خود، پاسدار مناسبات کهنه و ارجاعی می‌باشد، شده است. لایحل ماندن این تضادها و تشید روز افزون آنها به بحران‌های متعدد انجامیده است. همین نیازها، همین تضادها و همین بحران‌ها بود که به سرنگونی رژیم سلطنتی شاه منجر شد و دقیقاً عدم تحقق این نیازهای تحول اجتماعی به علت حل نشنده تضادهای موجود است که رژیم جمهوری اسلامی رانیز پیوسته با بحران روبرو ساخته و این بحران‌ها در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی گستردہ‌تر و ژرف تر شده اند.

بحران اقتصادی موجود بهوضوح این حقیقت را نشان می‌دهد. این بحران، ادامه همان بحرانی است که در اواسط دهه ۵۰ در اوایل زمامداری رژیم شاه پدید آمد. رژیم شاه قادر به حل این بحران نبود و حتاً نتوانست آن را تعديل کند. این بحران که نتیجه تشدید تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری و پوسیدگی بیش از حد مناسبات تولید سرمایه‌داری است، در دوران جمهوری اسلامی نیز تداوم یافت و عمیق تر شد. از هنگامی که رفسنجانی در راست قدرت اجرایی حکومت اسلامی قرار گرفت، متخصصین اقتصادی و تمام کارگزاران سرمایه‌های روزگاری که در چنین داشتند به کار گرفتند تا بر این بحران غلبه کنند. نتیجه اما چنان منفی بود که در آخرین سال زمامداری وی به عنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی، ابعاد بحران به مراتب وسیع تر از نخستین سال زمامداری وی بود. وی بار دیگر در عمل نشان داد که این بحران، راه حل سرمایه‌داری ندارد. با این وجود، وقتی که تمام بورژوازی ایران و جهان برای نجات حکومت اسلامی، پشت سرخانی قرار گرفتند و او را به قدرت رسانند، ادعای شد که وی قادر به حل بحران‌ها، از جمله بحران اقتصادی است. گروههای طرفدار خاتمه ادعای کردند که تداوم و تشدید بحران اقتصادی از آن روست که رفته کارگزاران، به قدر کافی در اجرای برنامه و سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیکری نداشته و به قدر کافی امکانات، تسهیلات و امکنیت برای سرمایه‌های داخلی و بین‌المللی فراهم نکرده اند. لذا با پیگیری هرچه تمام تر سیاست اقتصادی دوران رفسنجانی را بی گرفتند، موسسات دولتی بیشتری را به سرمایه‌داران بخش خصوصی داخلی و بین‌المللی واگذار نمودند. تسهیلات و امکانات بی‌شماری برای سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی قایل شدند. قراردادهای چندین میلیارد دلاری متعددی با انحصارات جهانی منعقد شد. میلیارد ها دلار سرمایه‌ی بین‌المللی به سوی ایران سرازیر شد. اما پنج سال بعد نه تنها بهبودی در اوضاع صورت نگرفته و بحران اقتصادی تعديل نشده بلکه این بحران همچنان عمیق تر و عمیق تر شده است. در این چند سال، صدها کارخانه و کارگاه تعطیل شده‌اند. تعدادی از موسسات تولیدی، همچنان زیر طرفیت تولید خود کار می‌کنند. رکود به جای خود باقی مانده است. در حالی که سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی از رشته‌های کلانی به جیب زده اند، وضعیت زندگی کارگران پیوسته و خیمتر شده‌اند. هرسال دهها هزار تن از کارگران اخراج و به صفو بیکاران افزوده شده‌اند. نیم میلیون جوانی که در هر سال به بازار کار سرازیر می‌شوند، اغلب بیکار و بلاکلیف بر طول و عرض ارتش

اخبار از ایران

* اعتراض کارگران در ارومیه

کارگران شهد سلام ارومیه با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، نسبت به حالت رکود در کارخانه و خطر تعطیلی آن هشدار دادند. قابل ذکر است که این واحد زیر پوشش بنیاد مستضعفان است و کارگران آن که شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند، ضمانت شغلی می خواهند.

* نامه اعتراضی

پرسنل شرکت صنایع امین طرح همدان، در نامه اعتراضی خطاب به مدیر کل استان، نسبت به زورگویی مدیر عامل جدید این شرکت و اخراج کارگران قدیمی، اعتراض کردند.

* چند خبرکوتاه

- ایسنا از قول یک "کارشناس حقوق کودک" گفت: حدود ۱۰۰ هزار کودک معتاد وجود دارد که شمار این کودکان همچنان در حال افزایش است، وی در مورد کودکان که کار می‌کنند گفت: یکمیلیون و ۸۰۰ هزار "کودک کار" در ایران وجود دارد که ۴۰۰ هزار نفر آنها زیر ۱۵ سال دارند.

- وزیر تعاون جمهوری اسلامی چنین اذعان کرد هر خانواده ای که ماهانه کمتر از ۲۵۰ هزار تومان درآمد داشته باشد زیر خط فقر قرار دارد.

* اعتراض کارگران کارخانه‌های مقدم

بنابه گزارش روزنامه رسالت، جمع بسیار زیادی از کارگران کارخانه‌های مقدم نظر آباد - کرج، در انتقاد به عملکرد کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که طبق تصمیم کمیته یاد شده، از شمول این طرح خارج شده‌اند، با جماعت درسالن کارخانه، مراتب اعتراض و نارضایتی شدید خویش را اعلام کردند.

* تجمع اعتراضی کارگران پروفیل سازی

روز دوشنبه ۶ آبان، بیش از صد تن از کارگران کارخانه پروفیل سازی گیوار در میدان آزادی‌نشین تهران، دربرابر ساختمان پیمان مستضعفان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و قطع بیمه کارگران و اعضا خانواده خود، خواستار پرداخت فوری ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران چیت‌ری

دوشنبه بیست و دوم مهرماه، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران چیت‌ری باریگر با اجتماع در برای این کارخانه در خیابان "فدائیان اسلام" دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای شهریور ماه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران مهیاران

کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی مهیاران اصفهان روز سهشنبه ۳۰ مهر دست به اعتراض زدند. کارگران درحالی که پلاکاردهایی را درست داشتند در برای راستانداری اصفهان دست به تجمع زدند و خواستار احراق حقوق خود شدند. نساجی مهیاران از سال ۷۹ تعطیل شده است. در این دوره مبالغی تحت عنوان بیمه بیکاری به کارگران پرداخت شده است. از ۳۶۰ کارگر این کارخانه ۱۸۰ کارگر دوره دریافت بیمه بیکاری شان تمام شده و مابقی نیز تا آخر سال جاری تمام می‌شود. کارگران که سالهای متعددی در این کارخانه کارکرده اند و تا ۲۶ سال سابق کار دارند، در این تجمع اعتراضی خواهان رسیدگی به مشکلات خود شدند.

آیا راه حلی بر بحران‌های موجود هست؟

- گران و زحمتکشان بودند. این برنامه اما نمی‌تواند به مرحله اجرا در آید، مگر آنکه ابتکار عمل در عرصه سیاسی درست کارگران و زحمتکشان فرار گرفته باشد و آنها از طریق ارگان‌های توده ای خود بتوانند اعمال حاکمیت کنند. مناسب‌ترین و دمکراتیک ترین شکلی که از طریق آن توده‌های کارگران و زحمتکشان بتوانند به اعمال حاکمیت بپردازند، "شوراهاست". اما شوراهای نمی‌توانند ایجاد شوند و به عنوان ارگان‌های اقتدار توده‌ای اعمال حاکمیت کنند مگر آن که کارگران و زحمتکشان ایران طبقه حاکمه را که نماینده مجسم آن جمهوری اسلامی ست سرنگون کنند و تمام دستگاه دولتی بورژوازی را درهم بشکند. در هم‌شکستن و به دور ریختن دستگاه دولتی موجود واستقرار دولت شورایی نه فقط پیش شرط ضروری دمکراتیزه کردن کامل حیات سیاسی جامعه است و استقرار آن می‌تواند به کامل ترین شکل ممکن، حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را تأمین نماید، بلکه یگانه دولتی است که توده‌های کارگران و زحمتکش می‌توانند، از طریق آن به اعمال حاکمیت مستقیم بپردازند و سرنوشت خود را به دست بگیرند. این یعنی عالی ترین شکل دمکراتی که تاریخ به خود دیده است. استقرار یک دولت شورایی نیز در عین حال اقدام ضروری دیگری است، برای انتقال به سوسیالیسم. در همین مرحله است که با تحقق مجموعه ای از مطالبات فوری توده‌های وسیع مردم، بخش وسیعی از تضادهایی که موجب بحران‌ها بودند، حل خواهد شد و تمام شرایط برای انتقال به سوسیالیسم فراهم می‌گردد. بنابراین، طبقه کارگر، برای حل معضلات و بحران‌های موجود جامعه ایران و عده‌های دور و دراز به مردم نمی‌دهد. حتاً فوری ترین برنامه طبقه کارگر، راه حلی قطعی، عملی و رادیکال بر بحران‌های موجود است. راه حلی است رادیکال برای پاسخگویی به نیازهای مبرم جامعه که باز می‌باشد برداشت تمام موانع، به بن بست و بحران پایان خواهد بخشید و روند تحولات اجتماعی را تسریع خواهد نمود.

گرفت. لذا وظیفه نخست طبقه کارگر نه معمول داشتن فوری سوسیالیسم، بلکه انجام اقداماتی برای انتقال به سوسیالیسم است که در وهله نخست دمکراتیزه کردن تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به نفع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و حل فوری ترین تضادها و نیازهای مبرم تحول اجتماعی است. این اقدامات در عرصه اقتصادی عبارتند از مصادره و ملی کردن تمام سرمایه‌ها و موسسات سرمایه‌داران بزرگ داخلی، سرمایه‌های انصهارات بین المللی و نیز سرمایه‌ها و موسسات وابسته به دستگاه روحانیت است. توأم با این اندام، در تمام موسسات و کارخانه‌ها، کنترل کارگری بر تولید و توزیع بر قرار می‌گردد و تمام مراحل تولید و توزیع تحت کنترل و نظارت کمیته‌ها و شوراهای کارخانه‌ها، و دیگر موسسات خواهد گرفت. این عرصه کنترل، البته تنها به کارخانه‌ها و موسسات تولیدی محدود نخواهد شد، بلکه موسسات مالی و کشاورزی، تجاری و خدماتی را نیز در بر خواهد گرفت. ملی کردن موسسات و سرمایه‌های بزرگ و برقراری کنترل نه فقط گام‌های ضروری برای انتقال به سوسیالیسم محسوب می‌شوند بلکه اقداماتی هستند که از طریق آنهای فوریت می‌توان جلو از هم گسیختگی اقتصادی را گرفت و وضعیت رفاهی توده کارگر و زحمتکش را بهبود بخشد. بنابراین به رغم این که این اقدامات هنوز نه به معنای لغو مالکیت خصوصی و نه برقراری مالکیت اجتماعی هستند، با این وجود هم برای انتقال به سوسیالیسم، هم برای انجام اقداماتی برای حل بحران اقتصادی و هم بهبود وضعیت رفاهی توده‌های زحمتکش ضروری است. توزیع کالاهای از طریق تشكیل های توده‌ای نظیر تعاونی ها، شوراهای وغیره نیز جنبه دیگر اقدامات تکمیلی فوق الذکر است. ملی کردن زمین و حذف رانت مطلق اقدام دیگری در جهت بهبود وضعیت رفاهی توده‌های زحمتکش شهر و روستا از طریق کاهش قابل ملاحظه اجراه هاست که در عین حال در جنب اقدامات دیگری که فواید آنها اشاره شد، برای تسریع انتقال به سوسیالیسم ضروریست.

انجام برعی اقدامات دیگر نیز در این مرحله در برینامه اقتصادی طبقه کارگر قرار می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به حذف مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تضادی بر ثروت، درامد و اثر اشاره کرد. با این اقدامات می‌توان نخستین گام را برای حل قطعی بحران و بهبود وضعیت مادی و معیشتی کار

دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در این روز خیابان های محلات سیاه پوست نشین نیویورک شاهد راهپیمایی بیش از ۲۵ هزار نفر بود و در همین روز ۱۰ هزار نفر در خیابان های شهر سانفرانسیسکو دست به پرپایی تجمعات اعتراضی زدند. علاوه بر این شهرهای لوس آنجلس، سیاتل، شیکاگو و پورتلند نیز در این روز شاهد راهپیمایی دهها هزار نفر و تظاهرات ضد جنگ در خیابانها بود.

مجددا روز ۲۶ اکتبر تمامی سازمان های مختلف ضد جنگ در امریکا از مردم کشور و دیگر کشورهای اروپایی خواستند که به خیابان ها آمده و مخالفت خود را با سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا به نمایش بگذارند. در همین رابطه شهرواشتگان شاهد راهپیمایی تظاهرات ۲۰۰ هزار نفر بود که در صفحه بیش از ۲ کیلومتر را به محاصره درآورد و خواستار بیان دادن به تهدیدات نظامی و اقدامات جنگ طلبانه علیه مردم عراق شدند. در همین روز بخش غرب امریکا نیز شاهد راهپیمایی و تظاهرات بیش از ۱۰ هزار نفر در شهر سانفرانسیسکو بود. در این تظاهرات، همچون زمان جنگ ویتنام، محصلین و دانشجویان و انشگاهها نیز کلاس ها را تعطیل کرده و فعالانه به صفوف راهپیمایان پیوستند. اما این تنها کرانه های شرقی و غربی امریکا نبود که در این روز شاهد تظاهرات و راهپیمایی مخالفان جنگ با عراق بود. در المان نیز مخالفان جنگ در شهر ۸۰ دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. خیابانهای شهر برلین شاهد راهپیمایی بیش از ۲۰ هزار نفر بود. برغم باران سدید و هوای طوفانی، هزاران نفر نیز در شهرهای فرانکفورت، استوتگارت و هامبورگ به خیابان ها آمده و از جمار و مخالفت خود را با سیاست های جنگ طلبانه جرج بوش به نمایش گذاشتند. علاوه بر آلمان چندین شهر اسپانیا نیز شاهد تظاهرات و راهپیمایی مخالفان جنگ با عراق بود. بزرگترین تظاهرات در شهر بارسلون انجام گرفت که در طی آن بیش از ۳۰ هزار نفر با شعارهای ضد جنگ، همکاری دولت این کشور با امپریالیست های آمریکایی را محکوم کردند.

در هلنند نیز شهرهای رتردام و آمستردام شاهد برپایی تظاهرات و راهپیمایی مخالفین جنگ بود. در شهر رتردام صدها نفر با وجود باران شدید در خیابانها راهپیمایی کردند و در آمستردام هم بیش از ۱۰ هزار نفر در تظاهرات ضد جنگ شرکت داشتند. در کشورهای اسکاندیناوی هم وضع به همین منوال بود. در شهر کپنهاگ، هزاران نفر با تجمع در مقابل سفارت امریکا، اعتراض خود را به سیاست های جنگ شرکت داشتند. در چند شهرهای اسکاندیناوی میتواند این کشور ابراز نمودند. و در دیگر پایتخت ها، یعنی استکهلم و اسلو هم صدها نفر با تجمع در مقابل سفارت های آمریکا، با سیاست های جنگ طلبانه دولت این کشور مخالفت نمودند. در چند شهر دیگر نیز در کشورهای اسکاندیناوی شاهد برپایی تظاهرات و راهپیمایی مشابه بود. در ایتالیا، برغم این که چند روز قبل میلیون ها کارگر، محصل و دانشجو در خیابانهای شهرهای بزرگ دست به راهپیمایی و تظاهرات زده بودند، اما در روز ۲۶ اکتبر باز هم بیش از ۲۰ هزار نفر در شهرهای مختلف به دعوت جنبش ضد جنگ پاسخ مثبت داده و خیابانهای چند شهر ایتالیا را مجددا به صحنه اعتراضات خود به وضع موجود تبدیل نمودند. و بالاخره این که روز ۲۵ اکتبر، مخالفین جنگ در شهر پروکسل، پایتخت بلژیک در مقابل سفارت امریکا تجمع نموده و اعتراض خود به سیاست های جنگ طلبانه دولت جرج بوش

است به کارفرما و در صورت ادامه اقدامات کشورهای جهان، کارگران دست به اقدامات اعتراضی دیگری خواهند زد. هرچند تماید - گان کارفرما عوام فریبانه تلاش دارند به کارگران اطمینان دهند که این اقدامات هیچ تهدیدی برای اشغال آنان نیست، اما همه کارگران خوب می دانند که اولین بیام انتقال تولید به کشورهایی با نیروی کار ارزان، اخراج کارگران در این کارخانه خواهد بود. شاهد این ادعای کارگران، ۱۷۰ کارگر اخراجی است که در ماههای آخر و به دنبال واگذاری بخشی از تولید این کارخانه به کارخانه های کوچکتر، کار خود را لذت داده اند.

* اعتضاب ۲ میلیون نفر در ایتالیا

روز ۱۸ نوامبر، برای دومین بار میلیون ها کارگر در سراسر ایتالیا کارها را تعطیل کرده و در شهرهای بزرگ ایتالیا دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در این روز صدها هزار محصل و دانشجو نیز کلاس های پیوستند. اعتراض اصلی در این روز متوجه تلاش های دولت دست راستی سیلیویو برلو-سکونی برای لغو ماده ۱۸ قانون کار این کشور بود. این ماده که حاصل مبارزات کارگران ایتالیا دردهم قرن گذشته است، اخراج خودسرانه کارگران توسط کارفرما را منوع کرده و به این ترتیب مانع بزرگی بر سر راهسود اندوزی سرمایه داران ایجاد نمود. علاوه بر این اکنون بیش از ۲۸ هزار کارگر در سراسر ایتالیا دراستانه اخراج طبلانه دولت آمریکا نیز مورد اعتراض قرار گرفت. تنهای رشره تورینو، مرکز کارخانجات فیات، ۲۰۰ هزار نفر در خیابانها راهپیمایی کردند، در شهر میلان ۱۰ هزار نفر در شهر رم می زدند. در این روز صفو طولانی تظاهر کنندگان که قصد راهپیمایی به سمت کاخ ریاست جمهوری را داشتند، با سیم های خارج و صدها مامور مسلح پلیس و ارتشاری مواجه شد که تمام خیابان های منتهی به این محل را مسدود کرده و دستور اکید داشتند که در صورت مقاومت تظاهر کنندگان، آنها را هدف گلوله قرار دهند. به رغم این نمایش مسخره قدرت، اعتضابیون به راه خود ادامه داده و این بار در مقابل بیمارستان مرکزی شهر تجمع نمودند. جنبش ضد خصوصی سازی راهپیمایی که قصد راهپیمایی به سمت کاخ بیمارستان نفر از کارگران و کارکنان بستگی با این حرکت دست به نمایش گزارده است. در همین روز هزاران نفر از کارگران و کارکنان بیمارستان های دولتی السالوادور در هم - ۴۸ ساعته زدند.

* تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان

همزمان با تشديد فشار دولت آمریکا در راستای آماده سازی شرایط برای شکرکشی به عراق، جوش ضد جنگ وسیع و قدرتمندی در سراسر جهان در حال شکل گیری است. در امریکا این جنبش از زمان جنگ ویتنام تاکنون بی سابقه بوده و هر روز که می گذرد از حمایت بخش بیشتری از مردم امریکا برخوردار می شود و در اروپا نیز جنبش ضد جنگ مورخ حمایت تمامی سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه های کارگری قرار دارد. در همین راستا روز ۶ اکتبر بیش از ۱۰۰ هزار نفر در چندین شهر آمریکا به دعوت جنبش مونور هوایی می سازی GE در شهر Lynn ایالت پنسیلوانیا، دست به یک اعتضاب ۴ روزه زدند. این اعتضاب تنها هشداری

اخبار کارگری جهان

* اعتضاب کارگران در اسرائیل

(بخوان: انتقال باریخان بردوش کارگران رحمتکشان) باید از صندوق های بازنیشتنگی کارکنان و کارگران دولت مالیات گرفت. این سخنان سردمداران حاکم و نمایندگان سرمایه داران در اسرائیل است. با این سخنان موچی از نارضایتی در میان دهها هزار کارگر و کارمند دولت به راه آفتاد. سرانجام این موج خشم و غفرت در روز ۱۲ اکتبر به خیابانها راه پیدا کرد. در این روز بیش از ۱۴۰ هزار کارگر و کارمند دولت دست به یک اعتضاب یک روزه زدند. تعطیلی کامل ادارات و مراکز دولتی و بیمارستان ها از اولین ششنهای این حرکت اعتراضی بود، علاوه بر این، حمل و نقل مسافران در چند شهر بزرگ تعطیل شده و زباله ها در سطح شهرها تلبیب شد. کارگران در این روز اعلام کردند که علاوه بر مخالفت با این اقدامات دولت، خواهان افزایش دستمزدهای خود نیز بوده و این مبارزات و حرکات اعتراضی تا حصول به این خواسته ها ادامه خواهد یافت.

* السالوادور: خصوصی سازی ها را متوقف کنید!

روز ۱۶ اکتبر بیش از ۵۰ هزار کارگر و ترین خیابانهای مرکزی شهر سان سالوادور پایتخت السالوادور، اعتراض خود را به خصوصی سازی خدمات درمان و بهداشت در این کشورهای نمایش گذاشتند. این حرکت عظیم اعتراضی به دعوت اتحادیه کارگران خدمات در شلوغ قرار داشته و فشار مراکز مالی امپریالیستی تعداد هرچه بیشتری را به صفوف بیکاران پرتاب خواهد نمود. این کشورهای نمایش گذاشتند که حمایت همه جانبه ای از اقدامات جنگ و قرار داشته و قرار داشته و قرار داشته و قرار گرفت. تنهای رشره تورینو، مرکز کارخانجات فیات، ۲۰۰ هزار نفر در خیابانها راهپیمایی کردند، در شهر میلان ۱۰ هزار نفر در شهر رم می زدند. در این روز صفو طولانی تظاهر کنندگان که قصد راهپیمایی به سمت کاخ ریاست جمهوری را داشتند، با سیم های خارج و صدها مامور مسلح پلیس و ارتشاری مواجه شد که تمام خیابان های منتهی به این محل را مسدود کرده و دستور اکید داشتند که در صورت مقاومت تظاهر کنندگان، آنها را هدف گلوله قرار دهند. به رغم این نمایش مسخره قدرت، اعتضابیون به راه خود ادامه داده و این بار در مقابل بیمارستان مرکزی شهر تجمع نمودند. جنبش ضد خصوصی سازی راهپیمایی که قصد راهپیمایی به سمت کاخ بیمارستان نفر از کارگران و کارکنان بستگی با این حرکت دست به نمایش گزارده است. در همین روز هزاران نفر از کارگران و کارکنان بیمارستان های دولتی السالوادور در هم - ۴۸ ساعته زدند.

* آمریکا: اعتضاب کارگران صنایع هوایی

مذکورات مربوط به عدم انتقال بخشی از تولید به کشورهای دیگر، پس از یک ماه کارشناسی و مخالفت کارفرما، به بن بست رسیده و در روز ۳۱ اکتبر، تمامی کارگر کارخانه مونور هوایی می سازی GE در شهر Lynn ایالت پنسیلوانیا، دست به یک اعتضاب ۴ روزه زدند. این اعتضاب تنها هشداری

برزیل و کارگر سابقی که رئیس جمهور شد

- امرو بانک هلنדי و سانتاندر سانترال هیسپانو اسپانیا به سرمایه‌داران توصیه کردند تا از سطح سرمایه‌گذاری در برزیل بگاهند و اوراق قرضه برزیل رارها کنند. لولا در این زمان وارد میدان شد و برای این که نشان دهد از نظرات "شبیه کمونیستی" خود در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بسیار دور شده، اعلام کرد که به مالیکت خصوصی احترام می‌کنند و هرگز خواهان ملی کردن شرکت‌های بزرگ نخواهد شد. این اظهارات درحالی بیان می‌شد که یکی از رهبران جناح اقلیت حزب کارگر برزیل، که "دمکراتی و سوسیالیسم" نام دارد و در انتخابات درون حزبی درسپتامبر ۲۰۰۴ ۱۴٪ رای را به خود اختصاص داد و یک گرایش تروتسکیستی است، ضمن انتقاد به لولا در صاحبه - ای با نوشته "سوسیالیسم بین المللی" "مورخ اوت گذشته" گفت: "ما تاکنون توانسته ایم روی مسائل اساسی توافق داشته باشیم". این شخص که کارلوس اشمتیت نام دارد و مانند لولا جزو بینان گذاران حزب کارگر است، اضافه نمود: "اکثریت حزب کارگر به نظم سرمایه‌داری گرایش پیدا کرده و این از پرآگماتیسمش بر می‌خیزد".

امتیازهایی که لولا به سرمایه دارن می‌داد بازهم کافی نمی‌نمود و حتیک سوداگر برزیل جهانی که مرج سورووس (Soros) نامدارد ۴ ماه پیش از دور اول انتخابات گفت: "درامپراتوری روم قدیم فقط رومی‌ها حق رای داشتند و در سرمایه داری جهانی کنونی فقط آمریکایی‌ها رای می‌دهند و نه برزیلی‌ها" وی سپس تهدید کرد که اگر لولا انتخاب شود "برزیل به سوی آشوب" می‌رود. لولا و حزبی هراسان از تصمیمات و اظهارات ارگان‌ها و شخصیت‌های سرمایه‌داران قول‌های جدیدی به آنها دادند. لولا گفت که در صورت انتخاب شدن، برزیل به تمام تعهداتش به ارگان‌هایی بزرگ سرمایه داری از جمله "صندوق بین المللی بول" بای بند می‌ماند و دیگر خواهان لغو بدھی‌های سرمایه‌اور برزیل که بالغ بر ۲۶ میلیارد دلار می‌شود نخواهد شد. در اینجا چا بود که صندوق بین المللی پول قول یک قرض سی میلیارد دلاری دیگر را به برزیل داد اما فقط ۲٪ آن را واریز کرد و گفت که بپای بقیه آن تا اول ژانویه ۲۰۰۳، روزی که رئیس جمهور جدید به کاخ ریاست جمهوری پلاناتو (Planalto) پی می‌گذارد، صبر خواهد کرد تا ز برنامه‌های او اطمینان کامل حاصل کند! صندوق بین المللی پول که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ هم یک وام ۱۵ میلیارد دلاری به برزیل داده بود، در ۱۱ اوت از زبان جان تیلور، معاون وزیر خزانه داری ایالات متحده که با ۱۴٪ بزرگترین سهامدار آن است، اعلام کرد که وام ۳۰ میلیارد دلاری به برزیل داده نخواهد شد مگر آن که این کشور پس از اول ژانویه ۲۰۰۳ هم مستورات صندوق بین المللی پول را به دقت به‌اجرا درآورد.

لولا درین دو دور انتخابات از یکی از مهم‌ترین بخششای هودا رخیز کدهمان "جنش دهقانان" بی‌زمین باشد خواست که دیگر "املاک خصوصی" را تصرف نکنند و به وی فرست دهنده که برای اصلاحات ارضی اقدام کند. وی هم چنین بیش از دور اول انتخابات در تجمع ۴۰۰ نظاری ارتش برزیل شرکت کرد و به آنان: از جمله پنج وزیر سابق کابینه نظامی که او را بمندان فرستاده بودند، گفت که برزیل به پیمان عدم ساخت‌سلاح - های اتمی نخواهد پیوست. در اینجا نظاری از پا خواستند و برای او کف زندن!

آورد که بخشی از آنان قصد داشتند آن را به یک حزب‌انقلابی و با استقلال طبقاتی تبدیل کنند که هرگز موفق نشدند. دبیر اول کنونی حزب که "زوره دیرسو" (Dirceu) نام دارد در ۲۰۰۴ اعلام کرد که حزب کارگر "از فوریه ۲۰۰۲ اعلام کرد که حزب چپ مرکز" ونه چپ است. این اظهارات در حالی بیان می‌شد که لولا، شکست خورده در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری سالهای ۱۹۹۸، ۱۹۹۴، ۱۹۸۹، خود را برای پیروزی در انتخابات ۲۰۰۲ آماده می‌کرد. لولا برای پیروزی درحال مذاکره با احزاب آشکاربورژوازی برزیل بود و در فوریه سال جاری اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن، سناتور روزه النکار (Alencar) را به عنوان معاف خود برミ‌گزیند. النکار عضو حزب لیبرال و یکی از بزرگ‌ترین کارفرمایان صنایع نساجی برزیل است.

لولا که در روز اول انتخابات اخیر پنجاه و هفتمین سال نولد خود را جشن‌گرفت، هشتمین و آخرین فرزند یک خانواده فقیر شمال شرقی برزیل است. وی برای کمک به خانواده با دستفروشی میوه شروع به کار کرد او تنها سه‌ساله به دستان رفت. او در دوازده سالگی پادوی یک خشک شویی شد و در آنجا ده تا دوازده ساعت در روزکار می‌کرد. پس از یک دوره کارآموزی، لولای ۱۴ ساله کارگر فلزکار می‌شود و پیش از آن که در ۲۱ سالگی وارد ستدیکای فلزکاران بشود، انگشت‌کوچک دست چپ خود را در زیر یک شماشین ازدست می‌دهد. لولا از رهبران انتخابات بزرگ کارگری است که در پایان دهه ۱۹۷۰ بی‌پی‌می‌شوند و گاهی در تجمعات خود صد هزار کارگر فلزکار را گرد می‌آورند. وی به همین دلیل ۳۱ روز را در زندان‌های حکومت نظامی وقت به سرپردازی می‌گیرد. برزیل مانند تمام کشورهای قاره امریکا، یک دوران طولانی مستعمراتی را پشت سرگذارده و تنها کشور این قاره است که زبان رسمیش پرتغالی است، زیرا این ماجراجویان و استعمارگران پرتغالی بودند که در سال ۱۵۰۰ میلادی برزیل را "کشف" کردند و نام آن را از درختی به نام براسکیل که مایعی سرخ فademard، انتخاب نمودند. استعمارگران پرتغالی با غارت منابع طبیعی، به ویژه معادن طلا و کشتار سرخ پوستان چند سده در زندان‌های درکارزار انتخابات بارای مستقیم شرکت می‌کنند. مبارزاتی که در ۱۹۸۹ به بر می‌نشینند و خود لولا برای نخستین بار نامزد ریاست جمهوری می‌شود. لولا در سال ۱۹۸۴ اول افتخاری کنونی آن است در سال ۱۹۸۴ فعالانه درکارزار انتخابات بارای مستقیم شرکت می‌کند. مبارزاتی که در ۱۹۸۹ به بر می‌نشینند و خود لولا برای نخستین بار نامزد نظامی از سال ۱۹۶۴ بود. این دیکتاتوری نظامی با سرکوب خونین مخالفان "شکنجه" محکمات چند دقیقه‌ای و کشتار فعالان سیاسی توسط "جوخه‌های مرگ" حکومت همراه بود. نظامیان حاکم حتا در سال ۱۹۶۹ یک قانون اساسی را تدوین کردند که در آن آشکارا "حقوق سیاسی شهروندان" لغو شد. مبارزات توده‌ای و انتصابات میلیونی کارگری، تزال فیگه ردو، آخرین حاکم نظامی برزیل را که از سال ۱۹۷۹ در راس قدرت بود در سال ۱۹۸۵ به زیر کشید.

حزب کارگر برزیل که اکنون با هشت‌صد هزار عضو بزرگ‌ترین که اکنون با هشت‌صد هزار لاتین است بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۹ تمام آمریکای پی‌کنگره‌ی فلزکاران، مکانیسین‌ها و برق-کش‌های ایالت سانوپولو تأسیس شد. پنج سال بعد، فعالان حزب کارگر اقدام به پی‌ریزی سندیکای سی. یو. تی. (مرکز واحد زحمتکشان) نمودند که هم اکنون با میلیونها عضو بزرگ - ترین اتحادیه برزیل است. حزب کارگر برزیل در واقع از بطن یک رشته مبارزات عمومی توده‌ای بر ضد دیکتاتوری نظامی زاده شد و هرگزداری مطالبات سوسیالیستی، به معنای مارکسیستی آن نبود. این حزب مجموعه ای از فعالان اتحادیه‌ای و نیروهای چپ را گرد

قانون بودجه ،

تداوم خصوصی سازی ها و تشدید استثمار کارگران

کارخانه به فروش بررسد که کسی نخرید بعد دادگستری گفت که زمین کارخانه را می فروشیم. الان ۵ ماه است که پرونده در دادگستری شهری و سازمان ثبت اسناد و اطلاعات در حال پیگیری است که هنوز به نتیجه نرسیده است. یک دیگر از کارگران این کارخانه می گوید: "یک ماه است به خانه نرفته ام. مدرسه ها شروع شده . . . بچه است دیگر نمی فهم که بیکاری یعنی چه؟ می گوید کفشهایم پاره شده و خجالت می کشم از بچه ها . . . گفتم لاقن نبینم شان بهتر است. ماهی ۶ هزار تومان پول بیمه بیکاری بعد از ۲۵ سال کار یعنی چی . . . اینجا می نشینیم و همیگر را می بینیم کمی آرام می شویم اما همه ما پر از بدیختی هستیم وضع هیچکدام امان از آن یکی بهتر نیست. " کارگر دیگری می گوید: "۴۲ سالگی وقت سکته کردن است! بعد از انحلال کارخانه تا حالا سه نفر سکته کرده اند، علی بھرامی، مصطفی سمعی، حیات علی حریرنی". کارگر دیگری می گوید: "قدرت می شود تحمل کرد؟ زنم طلاق گرفته و رفته، این هم زندگی است که ما می کنیم الان نمی دانم بچه ها کجا هستند. وقتی دیدم راست میگه و بدون خرجی و قرض و قوله نمی شود زندگی کرد امضا کردم راحت شد. جگار از دست برمی آمد نمی توانستم بگویم گد ای کن. خودم هم شباهتوی خانه اجاره ای مادرم می خوایم از او هم خجالت می کشم." و بعد اضافه می کند "ایکاش بجانای آزاد علیزاده می بودم. (آزاد علیزاده کارگر چیز سازی تهران بودکه چند ماه پیش در اثر نسیده فشارهای اقتصادی، دریکی از انبارهای کارخانه خود را حلقویز کرد) این کارگر پس از توضیح وضعیت آزاد علیزاده، اضافه می کند "زمانی می رسد که هیچ راهی برایت باز نمیست مجبوری کاری کنی از این وضعیت درد آور خارج بشوی . . . فقط شاید این فکر را نکنی که از شرم باید بمیری و دنیا را راحت کنی از وجودت. فرقی ندارد یا با آزاد بالای دار می روی یا مثل علی مهرابی سکته می کنی. کفش شادان پور ۴۵۰ کارگر بیکار دارد، ۴۵۰ علی مهرابی یا . . ." (کار و کارگر - آبان ۸۱).

این ها همه هنوزیک جنبه از نتایج و تاثیرات فاجعه بارخصوصی سازی هاست. بدیهی است که عوارض و عواقب این سیاستها، صرفاً به این مسئله خلاصه نمی شود. به عنوان مثال بک جنبه دیگر از سیاست خصوصی سازی این است که با واگذاری موسسات و شرکت های دولتی، قیمت تمامی کالاهای و خدماتی که توسط این شرکت ها ارائه می شود، از قبیل آب و برق، خدمات شهری، حمل و نقل، سوخت و امثال آن، به طور جهشی افزایش می یابد و افزایش قیمت در این بخشها به سرعت به سایر کالاهای و خدمات نیز تعیین خواهد یافت. نزد تورم باز هم افزایش خواهد یافت و این زاویه نیز فشارهای اقتصادی و معیشتی افزون تری بردوش کارگران و سایر افسار زحمتکش وارد خواهد شد و به یک معنا نبینو عظیمی از مردمان زحمتکش را باقفر و گرسنگی وحشتناک تری روپر خواهد ساخت.

رژیم جمهوری اسلامی از همه سو، کارگران را تحت فشار گذاشته است. سیاست های ضد کارگری این رژیم بیش از پیش تشدید شده است. هر چقدر بیشتر از عمر "دولت اصلاحات" گذشته است، تعارفات توحالی و ظاهر سازی در برخورد به کارگران نیز سایش بیشتری یافته و اعمال خشن ترین و بی رحمانه ترین صفحه ۲

تای آن شامل ۳۵ شرکت مشاور، ۲۰ شرکت بیمانکاری، ۲۰ شرکت و یا کارخانه تولیدی و ۲۵ شرکت خدماتی آغاز و در چارچوب برنامه سوم توسعه، به ترتیج به بخش خصوصی واگذار می شود. حبیب الله بیطرف وزیر نیرو، متذکر شد که در شرکت های زیر مجموعه این وزارت خانه که در قالب سمشرکت مادر تخصصی تمرکز یافته اند، شامل ۱- توانیر، که در زمینه فعالیت های تولید، انتقال و توزیع برق یا مدیریت بر مرآکز انتقال شبكه سراسری برق ۲- مدیریت منابع آب ایران، که در امر تامین آب، بهره برداری از تاسیسات سدهای مخزنی بزرگ و توسعه و بهره برداری از طرح های برق آبی ۳- آب و فاضلاب، که در زمینه آب و فاضلاب شهری و روستایی فعالیت دارند، مراحل آماده سازی برای واگذاری به بخش خصوصی طی شده است. این مراحل در سایر بخش ها و وزارت خانه ها، از جمله وزارت نفت، صنایع، راه و ترابری، کشاورزی و غیره نیز طی شده و دهه اسراحت شرکت های زیر مجموعه وزارت خانه ها، از جمله کوچک و بزرگ دولتی دیگر نیز برای واگذاری به سرمایه داران بخش خصوصی امداده شده است.

نیازی به اثبات این موضوع نیست که اجرای این سیاست ها بدون هیچ شک و تردیدی تاثیرات و نتایج مطلقاً فاجعه باری به ویژه برای کارگران و افسار زحمتکش مردم در پی خواهد داشت. تحریه همین چند سال اخیر، مستدل تر از هر توضیحی بر این ادعا صده می گذارد. سرمایه داران و مفت خورانی که واگذاری به دولتی را خریده اند و یا به اثنا و برق)، ۳ هزار و پانصد میلیارد ریال از محل صنایع از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه وزارت خانه های ایران، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و راه آهن جمهوری اسلامی ایران، ۳ هزار میلیارد ریال وزارت نیرو از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه "ساتکاب" (ساخت و تهیه کالاهای اب و برق)، ۳ هزار و پانصد میلیارد ریال وزارت صنایع از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و ۴ هزار میلیارد ریال از طریق واگذاری زیر مجموعه وزارت نفت. علاوه بر این ها، وزارت خانه های جهاد کشاورزی و بازرگانی هر کدام مبلغ صد میلیارد ریال از محل واگذاری شرکت های زیر مجموعه خود به بخش خصوصی تامین خواهد کرد.

به دنبال تعیین ضرب الجل از سوی دولت، این بخش های نیز زمینه واگذاری فوری موسسات و کارخانجات دیگری را فراهم ساخته و لیست شرکت هایی را که باید به بخش خصوصی فروخته شود اعلام کرده اند. سازمان خصوصی سازی آمادگی خود را برای واگذاری ۶۶ شرکت دولتی اعلام نموده که ۲۹ شرکت از طریق بورس ۳۷ و شرکت از طریق مزایده تا آخر سال جاری شد و این اولین بیختی ما بود. همان اول کارمیریت ۵ ماه کارخانه را تعطیل اعلام کرد و بعد به بهانه نوسازی کارخانه، در دو نوبت از دولت و ام تسهیلاتی گرفت که هیچ اتفاقی نیفتاد که آخرین ماده از کارگران ۱۵۰ میلیون تومان وام گرفتیم. خط تولید را راه انداخته بودیم که دیدیم یک اتفاقی دارد می افتد. . . یعنی نمی گذشتند که کار کنیم. شرکت تعطیل شد . . . سرانجام گفتند دو ماه کارخانه را ترک کنید تاما بفروشیم و حقنان را بدھیم. بعد شما بیایید تسویه خبری نبود. ما به اداره کارشکایت کردیم، پس از آن کارخانه توفیق شد و بعد قرارش

۱۸۲ شرکت این سازمان، ۴۷ شرکت به کلی منحل شده، ۳۵ شرکت توسط سازمان های بازنشستگی و تامین اجتماعی خریداری شده و ۱۰۰ شرکت بقیه که "اصلاح ساختار بینربوی انسانی" - بخوان اخراج کارگران و تامین شرط و شروط و رضایت خریداران - در آنها انجام شده، به بخش خصوصی واگذار شده و یا در حال واگذاری است. این شرکت ها شامل ۴۴ شرکت نساجی و پوشاک، ۳۷ شرکت دارویی و غایی، ۲۷ شرکت سلولزی و شمایی، ۳۰ شرکت ساختمان ستدای خود را هم فروخته است و پس از ۲۳ سال، از ده مهر ماه فعالیت آن رسماً متوقف شده و به احتمال خیلی زیاد، این سازمان به کلی منحل خواهد شد. مصوبه اخیرهیئت وزیران در مرور فروش واحد - های دولتی جهت تامین ده هزار میلیارد ریال کسری بودجه دولت، ابعاد مسئله را زاید هم فراتر می برد. طبق این مصوبه، سازمان خصوصی سازی و چند وزارت خانه، از طریق واگذاری مصطفی سبیعی، حیات علی حریرنی. های دولتی شرکت های زیر مجموعه وزارت خانه های ایران، مبلغ را تامین کرد. هزار میلیارد ریال از محل فرادری شرکت های زیر مجموعه وزارت خانه های ایران، ۳ هزار میلیارد ریال از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه وزارت خانه های ایران، هواپیمایی ابیانی ای اب و برق)، ۳ هزار و پانصد میلیارد ریال وزارت صنایع از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و ۴ هزار میلیارد ریال از طریق واگذاری زیر مجموعه وزارت نفت. علاوه بر این ها، وزارت خانه های جهاد کشاورزی و بازرگانی هر کدام مبلغ صد میلیارد ریال از محل واگذاری شرکت های زیر مجموعه خود به بخش خصوصی تامین خواهد کرد. به دنبال تعیین ضرب الجل از سوی دولت، این بخش های نیز زمینه واگذاری فوری موسسات و کارخانجات دیگری را فراهم ساخته و لیست شرکت هایی را که باید به بخش خصوصی فروخته شود اعلام کرده اند. سازمان خصوصی سازی آمادگی خود را برای واگذاری ۶۶ شرکت دولتی اعلام نموده که ۲۹ شرکت از طریق بورس ۳۷ و شرکت از طریق مزایده تا آخر سال جاری شد و این اولین بیختی ما بود. همان اول کارمیریت ۵ ماه کارخانه را تعطیل اعلام کرد و بعد به بهانه نوسازی کارخانه، در دو نوبت از دولت و ام تسهیلاتی گرفت که هیچ اتفاقی نیفتاد که آخرین ماده از کارگران ۱۵۰ میلیون تومان وام گرفتیم. خط تولید را راه انداخته بودیم که دیدیم یک اتفاقی دارد می افتد. . . یعنی نمی گذشتند که کار کنیم. شرکت تعطیل شد . . . سرانجام گفتند دو ماه کارخانه را ترک کنید تاما بفروشیم و حقنان را بدھیم. بعد شما بیایید تسویه خبری نبود. ما به اداره کارشکایت کردیم، پس از آن کارخانه توفیق شد و بعد قرارش

برزیل و کارگر سابقی که رئیس جمهور شد

در برگیرد، زیرا لولا گفته است که دولتش به این بازار علاقه زیادی ندارد ولی کماکان در بازار دیگری به نام مرسوسر (Mercosur) یا شرکت بربزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه باقی می‌ماند و خواهان پیوستن شیلی و بولیوی که هم اکنون با آن همکاری هایپر دارند، خواهد شد. در میان پیام‌های دریافتی لولا باید به پیام سخنگوی کاخ سفید امریکا اری فلیشر (Fleischer) اشاره کرد که به آسوشیتدپرس گفت: "جرج بوش به برنده‌ی انتخابات بربزیل تبریک‌می‌کوید و برای همکاری موثر با این کشور بی تاب است". وزیر امور خارجه امریکا هم اظهار داشت که این کشور روابط محکمی با دولت جدید بربزیل خواهد داشت و در اولین فرست خواهد که جوی‌بار اور را به همکاری لولا بین دو کشور بسازد.

باری، هرچند لولا از طبقه‌ی کارگر برخاسته است، هر چند او نسبت به دیگر نامزدهای بورژوازی بربزیل این مریت را دارد که دستش به سرکوب الوده نشده است، اما جدا شدن وی از طبقه‌اش و از مطالبات طبقاتی کارگران و زحمتکشان بربزیل و آن‌چه لولا در کارزار انتخاباتیش گفت و ارائه کرد نشان از آن دارند که وی خواهد توانسته فقط مطالبات و آرزوهای توده‌های کار و زحمت بربزیل را برآورده کند، بلکه حتاً خواهد توانست به قول کوچکش - سه وعده غذا در روز برای گرستگان جامه‌ی عمل بپوشاند. سرمایه‌داری بسیار پوشیده تر و هارتر از آن شده است که بتوان با خرده اصلاحاتی به نفع میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در بربزیل و در سطح جهان اقداماتی کرد. آزمون انتخاب کارگر "سابقی" که در بربزیل رئیس جمهور شد هزار غرقی که این بار از سرخوردگی صدها هزار غرقی که برای لولا به خیابان‌ها ریختند، خواهد گذشت، ان چه اما ادامه خواهد داشت مبارزه طبقاتی در بربزیل و در تمام جهان برای برپیدن نظام پیش ازیش "جهانی شده"ی سرمایه‌داری، نظمی چیزی به جز سویالیسم و گذار به کمونیسم نیست.

ازصفحه ۷ قانون بودجه ، تداوم

خصوصی سازی‌ها و تشدید استثمار کارگران

برخوردهای انتخاباتی به کارگران و خانواده‌های کارگری عربیان تر شده است. جمهوری اسلامی یکی از ارتقای ترین و کثیف ترین رژیم‌های سرمایه‌داری است. دولت نیز که عمیقاً با مذهب در امیخته است، نماینده سرمایه‌داران و مترجمین و پاسدار منافع همین‌هاست. امروز همه کارگران این را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که "دولت اصلاحات" نیزمانند دولتهای پیشین ماهیتا ضد کارگر است. این دولت، جز تحت فشار گذاشتند کارگران، جز تشديد روز افزون فشار - های اقتصادي و اجتماعی برکارگران، جز پایمال کردن حقوق کارگران، جزبیکار سازی و اواره ساختن کارگران و بالاخره جز فراهم سازی شرایط مورد بسند سرمایه‌داران برای تشید استثمار کارگران، نقش و رسالت دیگری نداشته است وندراد.

کارگران ایران برای پایان دادن به این همه خشونت و وحشی‌گری، برای پایان بخشیدن به این همه بیدادگری و بدیختی و برای تحقق آرمان‌های عدالت جویانه و انسانی خود، راه دیگری ندارند جز آنکه این نظام ضد بشری را از ریشه براندازند و بر ویرانه‌های آن نظام عادلانه و انسانی خود را بنا کنند.

ازهم اکنون آثاری از ناکامی لولا در برآوردن خواسته‌ها و مطالبات صدها هزار غرقی که برای انتخاب وی به خیابان‌های ریختند دیده می‌شود. در انتخابات اخیر، مردم بربزیل برای انتخابات فرمانداری ۲۷ ایالت بربزیل و ۵۱ نماینده پارلمان هم فراخوانده شده بودند. اما حزب کارگر فقط ۳ فرمانداری را به دست آورد و به ویژه فرمانداری ایالت ریوگراند جنوبی پایا پیخت پورتوالگره را از دست داد، جایی که حزب کارگر در مقابل فوروم اقتصادی داوس نقشی فعلی داشت. این شکست بسیار نمادین بود و نشان می‌دهد که همان گونه که حزب کارگر از پایا گاه اجتماعی‌یش دور می‌شود، این آخری هم آن را رها می‌کند. ازسوی دیگر فقط ۹۱ نماینده از حزب کارگر به پارلمان راه یافتند که اکثریت بسیار ضعیف است. در این جایای حق رای‌مoris کوستین (Costin)، رئیس روابط عمومی فدراسیون کارگر میان صنعتی سائوپولو داد که گفته بود: "اگر لولا برنده شود، نمی‌تواند تصیمات واقعی را دیدیکال اتخاذ کند، زیرا با مخالفت برخی از فرمانداران مواجه خواهد شد."

با توجه به پیام‌هایی که لولا برای انتخابات دریافت کرد می‌توان اذعان داشت که سرمایه‌داری داخلی و بین‌المللی موفق شد یک حزب تودهای اما غیرطباقی را در طبقه‌خود هضم کند. هورست کوهنر (Koehler)، رئیس صندوق بین‌المللی بول در پیام‌ش گفت: "نتیجه‌ی انتخابات بربزیل تائید جدیدی بر دمکراسی در انتخابات انتخاباتیش گفتند. لولا فرست تاریخی پا سخنگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی بربزیلیان را اعطاء می‌کند." البته آقای کوهنر نمی‌گوید که چگونه رئیس جمهور قبلی گرسنگان که دو دوراین سمت را در اختیار داشت و کلمه تصمیمات صندوق بین‌المللی پول انجام داد، هرگز در کشور داشتند که نشانی است. این چنین است که ۵۴ میلیون مردم بربزیل زیرخط فقر زندگی می‌کنند و این کشور دارای یکی از ناعادلانه‌ترین نظام‌های دست-

مزدی در جهان است. لولا در کارزار انتخاباتیش گفتند که می‌توان از هشت سال پیش منجمد شده در حالی که هزینه حمل و نقل، دارو و دیگر احتیاجات روزمره مدام افزایش یافته است. این چنین است که ۵۴ میلیون مردم بربزیل در کارزار انتخاباتیش گفتند که نشانی است. ایالات نمی‌داند که ارگان‌های بزرگ سرمایه داری می‌دانند که بسیاری در بربزیل گرفته‌اند؟ لولا در نخستین سخنرانی پس از انتخابات گفت: "بازارها باید بدانند که بربزیل محتاج سه وعده غذادر روز هستند. بسیارند که گرسنگی می‌کشنند".

لولا هرگز برنامه‌ای ارائه نداده که نشان دهد نهاده حتاً تعديل نابرابری های عظیم در بربزیل باشد. در این کشور ۲۰٪ شرکتند- ترین‌ها ۶۴٪ ثروت ملی را صاحبند در حالی که ۲۰٪ فقیرترین‌ها فقط ۲٪ آن را را در اختیار دارند. در جمعیت فعلی این کشور ۱۲ میلیون نفر بیکارند و ۱۶ میلیون نفر حتاً از حداقل دستمزد ۷۷۰ تا ۱۰۰۰ دلار در سال) برخور دار نیستند. بیش از یک میلیون کودک ۱۲ تا ۱۴ ساله مشغول به کار هستند که ۱۰٪ آنان تا ۴۹ ساعت در هر روز کار می‌کنند. بربزیل در زمینه‌ی اجتماعی هم مسائل عدیدهای دارد. ۱۰٪ مردم بی سواد هستند. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۴۵۰۰ قتل در بربزیل صورت گرفته و در سیزده سال گذشته ۳۹۳۷ جوان زیر ۱۸ سال فقط در شهر ریودوژانیرو به قتل رسیده‌اند که این رقم، برای همین مدت زمان، از هزار جوانی که در درگیری‌های اسرائیل‌فلسطین کشته شده‌اند بیشتر است. در همین شهر، بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰ تعداد جوانان زیر ۱۸ سالی که با گلوله کشته شده‌اند از مجموعه‌ی کشته شدگان جنگ‌ها در کلمبیا، یوگسلاوی، سیرالنؤن، افغانستان، اسرائیل و فلسطین بیشتر بوده است.

قانون بودجه ،**قدام خصوصی سازی ها و تشدید استثمار کارگران**

دهها و صدها هزارکارگر و خانوارهای کارگری تمامین بودجه می کند، یک بار دیگر هم چون ارقام بودجه در سایریش ها مثلاً درآمد از محل مالیات ها متحقق نمی شود، باز هم به سراغ کارگران می آید تا کسری بودجه اش را از محل فروش کارخانجات دولتی، یعنی بیکار سازی، فقر و سیه روزی بیشتر کارگران تامین کند. سوای این موضوع که از همان آغاز تصویب لایحه بودجه سال ۸۱ معلوم بود که دولت با کسری بودجه مواجہ خواهد شد و حتی وابستگان به رژیم نیز کسری بودجه را رقمی در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد ریال برآورد می کردند، اما امروز نیز اعتراف می کنند که درآمدهای دولت لاقل از محل مالیات ها، تحقق نیافته است و با کسری بودجه مواجه است. دادستان انتظامی مالیاتی درگفتگو با ایستا می گوید "دریشش ماهه اول سال جاری درآمدهای دولتی از محل مالیات ها متحقق نشده است" نباید فراموش کرد که لایحه اصلاح قانون مالیات ها که در بهمن سال ۸۰ به تصویب مجلس رسید، درزیمه معافیت های مالیاتی، امتیازات ویژه ای در اختیار سرمایه داران گذاشت.

هرچند سرمایه داران با استفاده از شیوه های مختلف، از کاغذ بازی و رشوه دهی و یا سند سازی گرفته تا سایر کلک هایی که می زند و راه فانوی آن را نیز به کمک کارگزاران دولتی پیدامی کنند، عموماً از پرداخت مالیات طفره می روند، اما با این صوره، سرمایه داران در همان محدوده هایی هم که مالیات می پرداختند، یا از مقدار آن کاسته شد و یا بکلی از آن معاف شدند. همان مسؤول امور مالیاتی می گوید "معافیت مالیاتی سرمایه داران و سرمایه گذاری ها در سال ۸۱ نسبت به (سال) گذشته ۱۰ برابر شده است" که این روند ایجاد تسهیلات بیشتر و معافیت های مالیاتی سرمایه داران با تقلیل بیشتر همچنان ادامه خواهد داشت.

روشن است که در این جاهم بخش اصلی درآمد دولت از محل مالیات ها رانیز- تاهمان جایی که متحقق شده است - به طور غیر مستقیم تودهای کارگر و زحمتکش و سایر اقتشار کم درآمد حقوق بگیر پرداخته اند . با این همه اکنون "دولت اصلاحات" که دیواری کوتاه تر از دیوار کارگران پیدا نکرده است، کارگران را زیر بیشترین فشارهای اقتصادی و معیشتی گذاشته تا جو سرمایه داران راهم که مالیات نپرداخته اند و یا از پرداخت آن معاف شده اند، بشکند!

واعیت این است که در نظام حمهوری اسلامی مانند هر نظام سرمایه داری دیگری، به مسله بودجه، نحوه تامین، احتصاص و یا هزینه کردن آن، صرفاً از زاویه منافع سرمایه و باز تولید

**خصوصی سازی و
تشدید استثمار کارگران**

یکی از رهنمودهای انحصارات مالی، واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی است. دولت اصلاحات" که در تمام زمینه ها، چه در زمینه ایجاد تسهیلات مالی برای سرمایه داران و معافیت های مالیاتی، چه درمورد تامین شرایط کارمورد دلخواه سرمایه داران و ضوابط حاکم بین کارگر و کارفرما، رهنمودها و سیاست های نو لیبرالی انحصارات جهانی را الگوی خود قرار داده است، در زمینه خصوصی سازیها نیز برهمیین بیناعمل نموده است. واگذاری صنایع و کارخانجات و موسسات دولتی آنهم به بهای بسیار ناچیز و در اکثر موارد به افزایی در حول و حوش سران و یا سرسپرده گان حکومتی و "اقایان" و "آقازاده ها" با شتاب حریت اوری در حال انجام است. پدیده ای که جز غارت، و برای دادن ثروت های اجتماعی که حاصل دسترنج سالیان دراز طبقه کارگر است، نام دیگری نمی توان برآن نهاد. مسله خصوصی سازیها به نحوی درآمد است که این پدیده در میان برخی از اقتشار مردم به "خدماتی سازی" اشتخار یافته است. استنادات زیر، نمونه های بارزی بر جدیت رژیم در پذیرش و اجرای سیاست های انحصارات مالی جهانی است. به گفته رادنیا مدیر عامل سازمان صنایع رژیم، از سال گذشته تا مهرماه سال جاری از صفحه ۶

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan-minority.org

**Organization Of Fedaiyan (Minority)**

No.392 nov 2002